



رئیس‌جمهور مطرح کرد

جریمه‌های کرونایی

گروه سیاست: حجت‌الاسلام حسن روحانی در سخنانی در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا، با بیان اینکه از مردم می‌خواهیم از کادر درمان تشکر کنند که حداقل آن استفاده از ماسک است، گفت: «وقتی کادر درمان ببیند که مردم هم رعایت می‌کنند...

• صفحه ۲

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۹ • ۱۶ صفر ۱۴۴۲ • ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰

تنترها

چه کسی محکوم است؟

• صفحه ۲

احمد مازنی با اشاره به دوران دولت اصلاحات:

خاتمی گفت به جدم قسم بیش از این کاری از دولت برنمی‌آید

• صفحه ۲

برپایی کنکور انتخاباتی

• صفحه ۲

رکوردهای جهشی در بازار خودرو

• صفحه ۲



إن ضوء الحب أحمر

(نور عشق سرخ است)

• صفحه ۱۱

حرف اول

یک بیانیه درباره مناقشه قره‌باغ و چند پرسش

احسان هوشمند



انتشار اطلاعیه چهار نفر از انمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه در استان‌های شمال غرب مبنی بر «اقدام کاملا قانونی و شرعی» جمهوری آذربایجان در بازپس‌گیری اراضی قره‌باغ بازتاب بسیار وسیعی در محافل سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی داشت. این در حالی است که در یک رویکردی اصولی، دستگاه سیاست خارجی در دوران منازعه قره‌باغ با «حفظ بی‌طرفی و دعوت به حل‌وفصل مسائل از طریق شیوه‌های دیپلماتیک» رویکردی صحیح و منطبق با منافع ملی کشور اتخاذ کرده است. این رویکرد بارها توسط مسئولان دستگاه سیاست خارجی و عالی‌ترین مقامات کشور مورد تأکید قرار گرفته است.

۱- این نخستین باری نیست که گروهی از روحانیون کشور در امور مختلف داخلی و خارجی به اتخاذ مواضع متفاوتی می‌پردازند؛ اما از آنجایی‌که این بار این گروه در قالب عناوین رسمی و مسئولیتی‌که دارند، اقدام به موضع‌گیری کرده‌اند، نیازمند بررسی و بازبینی است. جدای از محتوای چنین بیانیه‌ای آیا چنین موضع‌گیری‌هایی به تضعیف موقعیت دولت برای پیشبرد نقش میانجیگری و بی‌طرفی کشور با هدف یافتن راه‌حلی دیپلماتیک منجر نمی‌شود؟ یا دولتی‌که بخشی دیگری از حاکمیت کشورش با بیانیه به طرفداری از یکی از طرف‌های منازعه می‌پردازد، می‌تواند نقش بی‌طرفی در میانجیگری داشته باشد؟ طرف دیگر آیا درباره اتخاذ این موضع‌گیری بی‌تفاوت خواهد بود؟

۲- اگرچه پیش‌ازاین دشمنان کشور و وابستگان جریان‌های افراطی قوم‌گرا و تجزیه‌طلب و وابسته به کشورهای شمال غرب ایران فعالیت خود را برای تحریک شهروندان آذری آغاز کرده بودند؛ اما انتشار اطلاعیه فوق موجب شد تا این گروه با استفاده از روایتی رسمی و مذهبی و بیانیه اخیر اقدامات تحریک‌آمیز و افراطی خود را تعقیب کنند و به بازتاب گسترده این بیانیه بپردازند. پیش‌ازاین نیز در جریان اعتراضات دی ۹۶ در شهر مشهد این موضوع مطرح شد که ورود بخشی از حاکمیت به مباحث حساس ممکن است پیامدهای پیش‌بینی‌ناشده‌ای در پی داشته باشد.

• ادامه در صفحه ۴



تهران به باکو و ایروان هشدار داد

درگیری در قره‌باغ، خمپاره در ایران

• صفحه ۴



بررسی کارنامه دولت بنی‌صدر و اختلافش با شهید رجایی و شهید بهشتی و آیت‌الله هاشمی

هاشمی: بنی‌صدر مناقشه می‌کرد ما مدارا

• صفحه ۳

یادداشت

آرمان –واقعیت، زمان و دیوان‌سالاری جنگ

مطرح باشد. راحل نظامی بر سیاست‌گذاری جنگی تسلط کامل داشت و این امر راهی را برای انجام مانور سیاسی – دیپلماتیک باقی نگذاشته بود. اساسا مانور دیپلماتیک در حالت اشغال و ضعف نظامی امکان‌پذیر نیست. پس از فتح خرمشهر نیز این شرایط ادامه یافت و دیپلماسی جایگزین راحل نظامی نشد و کماکان اندیشه نظامی غلبه خود را بر سیاست‌گذاری جنگی حفظ کرد. تأکید بر ادامه جنگ تا پیروزی نهایی عملا راهی را برای فعالیت‌های سیاسی باقی نگذاشت. بدین‌سان، فرصت‌سازی سیاسی در حاشیه قرار گرفت، تصمیم سیاست‌گذار در تصمیم نظامی خلاصه و محدود شد و صورت‌مسئله به گونه‌ای طراحی شد که گزینه‌های متفاوت عملا از فهرست راحل‌های سیاست‌گذاری حذف شدند. در چنین وضعیتی فرصت‌سازی و فرایندهای ممکن برای ایجاد فرصت‌ها عملا به امور نظامی محدود شد. فرایندسازی نظامی تحمیلی تدبیر نظامی منجر می‌شود جایی برای فرایندسازی سیاسی جهت کسب فرصت‌های سیاسی باقی نگذاشت؛ ازاین‌رو سیاست‌گذاران باید هم‌وغم خود را مصروف فرایندسازی نظامی می‌کردند. ۳. فرایندسازی نظامی مستلزم تدبیر نظامی و تمهید مقدمات لازم برای آن بود. در ابتدای جنگ تحمیلی تدبیر نظامی به شکلی غریزی به‌سوی جنگ انقلابی و جنگ غیرکلاسیک پیش رفت و امر جنگ را پیش برد. جنگ غیرکلاسیک ماهیتا نامنظم بود و مستلزم تصمیم‌های مقطعی و متناسب با جنگ‌های کوتاه‌مدت. در چنین شرایطی، جنگ در دو بعد طول و عرض و با درجه‌ای نازل‌تر در بعد ارتفاع دنبال می‌شد. جنگ نامنظم اگر چرپکی و داخلی باشد و علیه یک رژیم سیاسی صورت گیرد و نیز اگر چرپک‌ها با مردم پیوندی عمیق داشته باشند، می‌تواند به درازا بینجامد. اما اگر جنگ، داخلی نباشد بعد جدیدی (بعد زمان) اهمیت می‌یابد. برخی از پژوهشگران امور نظامی بر این باورند که رشد تکنولوژی نظامی و نقش اطلاعات به‌موقع و تصمیم بهنگام و سریع، بعد چهارمی را به جنگ اضافه کرده و آن بعد زمان است. به اعتقاد ایشان، افزوده‌شدن بعد زمان به سه بعد طول و عرض و ارتفاع، جوهره انقلاب جدیدی را در امور نظامی تشکیل می‌دهد. بنابراین، رشد تکنولوژی عامل اساسی اهمیت یافتن زمان است؛ اما نگارنده بر این باور است که زمان، مستقل از تکنولوژی نیز اهمیتی اساسی دارد. مفهوم «فرایش» که مفهومی آشنا در سال‌های میانی جنگ بود ناظر به همین معناست. پارادوکس زمان – جنگ غیرکلاسیک، اصلی‌ترین چالش سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نظامی ایران بود و سرعت عمل برای جلوگیری از فرسایش ر جاتی می‌نمود. فرایندسازی نظامی در سلطه زمان قرار داشت و فرصت‌سازی

در نشست مجازی روز امحای کامل تسلیحات هسته‌ای

سخنرانی اتمی ظریف

گروه سیاست: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در نشست مجازی «روز بین‌المللی امحای کامل تسلیحات هسته‌ای» در سازمان ملل متحد، سخنرانی کرد. محمدجواد ظریف در سخنرانی خود با اشاره به گذشت...

• صفحه ۴

سال هجدهم • شماره ۳۸۳۲ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

حذف روحانی بازی در زمین مخالفان

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



به‌تازگی برخی از فعالان سیاسی پیشنهاد استعفای ریاست‌جمهوری را مطرح کرده‌اند. چندی قبل هم تقاضای استیضاح رئیس‌جمهور از سوی نمایندگان مجلس به هیئت‌رئسه مجلس تقدیم شد که البته به نتیجه نرسید. هرچند نتیجه هر دو اقدام یکی است، اما نیت‌های متفاوتی در این پیشنهادها که یکی از سوی طیف اصلاح‌طلب و دیگری از سوی طیف اصولگرا مطرح شده، نهفته است. با وجود تفاوت نیت، در صورت انجام هریک از دو تقاضای گفته‌شده، نتیجه واحدی به دست می‌آید. به بررسی و شرح نتیجه حاصل از استعفا یا استیضاح خواهیم پرداخت، اما لازم است ابتدا توضیح اندکی درباره استعفا یا استیضاح داده شود. به‌طورکلی استعفا به معنای درخواست عفو است؛ عفو از ادامه کار و عفو به دلیل نداشتن توانایی در انجام وظایف محول‌شده. در این صورت، رئیس‌جمهور باید شرایط کاری و دلایل عدم توانایی خود را تشریح کند و طبیعی است که به دلایل متعدد، این بیانات در لافاه‌ای از الفاظ و کنایات ارائه خواهد شد که هر فرد غیرجهت‌داری نمی‌تواند چیزی از محتوای امر و مقصود غایی گوینده دریافت کند. بعید است با توجه به روحیات رئیس‌جمهور و تدابیری که از نظر شخصی در ذهن دارد، استعفایی دهد که شکننده شخصیت و حرمت خود باشد یا استعفایی دهد که موجب هتک نظام و مسئولان عالی‌رتبه آن باشد و به گمانم با وجود همه تصمیمات ضعیف، رئیس‌جمهور چاره‌ای جز «سنگ‌زیرین آسیا» بودن در این برهه ندارد. از آن سو، در تقاضای استیضاح رئیس‌جمهور گرچه ممکن است استیضاح‌کنندگان بگویند ما طلب توضیح کردیم و نه برکناری، اما هر انسان داناتی می‌داند در بطن استیضاح، سخن از برکناری و عدم شایستگی است. بسیار عجیب است مجلسی که خود را ولایی و انقلابی می‌داند، با وجود کلام صریح رهبری، رزمه‌های استیضاح را همچنان دنبال می‌کند. فشار به رئیس‌جمهور در ماجرای رأی اعتماد به وزیر صنعت نیز به شکلی دیگر ادامه یافت. اصولگرایان بهتر از هرکسی دلایل مشکلات کشور را می‌دانند. با توجه به جلسه رأی اعتماد به وزیر صمت و در ماجرای مقابله مجلس با وزیر خارجه، مشخص است هدف از کنشاندن رئیس‌جمهور به مجلس، اهانت، فریاد، دشنام و اتهام به او است؛ حال نتیجه هرچه باشد برایشان تفاوتی نمی‌کند. آنها می‌خواهند حضوری و از طریق رسانه‌هایی ازجمله رادیو، رئیس‌جمهور را به یک دستمال آلوده تبدیل کنند و نفس راحتی کشیده و لیخند پیروزی و شادمانی به لب بیاورند. حال فرض کنیم همه این حرف‌ها تا درستی باشد و آنان نیت اصلاح کشور را دارند؛ همان‌طور که قبل از انتخاب و در حوزه‌های خود چنین ادعاهایی داشتند و امروز تاکنون تنها به چند مصوبه خاص مثل مصوبه قیر الکفایت کرده‌اند. اگر فرض کنیم هدف اصلاح امر باشد، مجلسیان برای بعد از برکناری رئیس‌جمهور به چه کسی اندیشیده‌اند؟ پراوضاع است که بر اساس قانون اساسی، برای ۵۰ روز معاون‌اول جایگزین او خواهد بود و رئیس‌جمهور جدید در انتخاباتی که در این ۵۰ روز برگزار می‌شود، انتخاب خواهد شد و احتمالا فرد مدنظر مجلس بر سکوی ریاست‌جمهوری جلوس خواهد کرد و مجلسیان به مقصود ناثل می‌شوند. حال تصور این دوره خندان دور از ذهن نیست؛ یک دوره بحران در بحران و تلاطم در کشور که همه چیز از آن بیرون خواهد آمد و بر فرض آنکه رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود، چه کاری از او ساخته است؟ آنها که در صف ایستاده‌اند، به‌مراتب ضعیف‌تر و ناکارآمدتر از آقای روحانی هستند و آن که انتخاب می‌شود (شامل حال همه افراد مدعی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب و...) برنامه‌ای برای رفع بحران نداشته و نیز فاقد شخصیت ذاتی برای مقابله با بحران خواهد بود. در این شرایط، با ایجاد بحران سیاسی در جامعه به تنها کسی که کمک می‌کنند، رئیس‌جمهور فعلی آل‌مرکاست که در معرض استیضاح جدید است، باکناررفتن رئیس‌جمهور و بحران سیاسی در کشور، ترامپ به ابزاری مهم دست پیدا می‌کند و خواهد گفت سخت‌گیری‌ها و تحریم‌ها دولت ایران را به زانو درآورده است و با شیوه‌های تبلیغاتی خود، این امر را پیروزی بزرگی برای آمریکا علیه کشوری که ۴۰ سال «مرگ بر آمریکا» گفته قلمداد خواهد کرد. فکر نکنیم افکار عمومی آمریکا با نفع ماست، افکار عمومی آمریکا حتما علیه کشوری است که فریاد «مرگ بر آنها» سر می‌دهد؛ هرقدر هم گفته شود مقصود از این شعارها، هیبت حاکمه است، آنها آن را باور نمی‌کنند. استعفا یا استیضاح رئیس‌جمهور حتما به نفع ترامپ و نشانه تزلزل و بحران در جمهوری اسلامی است؛ در زمین دشمن و به نفع او عمل نکنیم.

• ادامه در صفحه ۲